

چگونه می شود دست خدا
را بوسید؟

ناهیدرشید

سرشناسه : رشید، ناهید، ۱۳۵۵-
 عنوان و نام پدیدآور: چگونه می‌شود دست خدا را بوسید؟ / ناهید رشید.
 مشخصات نشر : تهران: گلدار، ۱۳۸۸ -
 مشخصات ظاهری : ۳ ج.
 شابک : دوره: ۷-۱-۹۱۲۲۴-۶۰۰-۹۷۸ ج. ۱. ۰۰-۹۱۲۲۴-۶۰۰-۹۷۸
 وضعیت فهرست‌نویسی: فیفا
 یادداشت : کتابنامه
 موضوع : داستان‌های کوتاه فارسی - - قرن ۱۴
 موضوع : کمینه‌گرایی (ادبیات) - - ایران
 رده‌بندی کنگره : ۱۳۸۸ ج ۸۲ / PIR ۸۰۵۸
 رده‌بندی دیویی : ۸۶۲/۳
 شماره کتابشناسی ملی: ۱۸۱۱۷۳۹



نشر گلدار

«۱» چگونه می‌شود دست خدا را بوسید؟

نویسنده: ناهید رشید
 حروفچینی: آرزو اصلی
 صفحه‌آرایی: زهرا عبدالله‌پور
 لیتوگرافی، چاپ و صحافی: نماد
 چاپ اول: ۱۳۸۸
 تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه
 قیمت: ۲۰۰۰۰ ریال
 شابک: ۰۰-۹۱۲۲۴-۶۰۰-۹۷۸
 آدرس: تهران، خیابان سبلان شمالی، خیابان محسن آزادی، پلاک ۹۱
 تلفن: ۸۴۳۷۹۲۷
nashr.goldar@gmail.com

فهرست

۹	مقدمه
۱۱	اجابت
۱۲	اتاقی در وسط میدان
۱۴	روح شویی
۱۵	خیار، خربزه، ماهی
۱۶	سفر ناگهانی
۱۷	نظریه‌ای درباره مرگ
۱۸	خوراکی در کلاس
۲۰	اشک
۲۱	اسباب و اثاثیه
۲۲	آموشگاه فیزیک
۲۳	خانم دکتر
۲۵	بت
۲۶	استخر
۲۷	سکه، طلا و نمک

۲۹	پرتاب آشغال
۳۰	۱۰۱ تغییر ستاره منش
۳۱	۱۰ جوان ثروتمند زیر ۲۵ سال
۳۲	خانم کوچولو و آقا آنتون
۳۳	Glass ceiling
۳۴	زن مهربان نادان
۳۵	فضل الله مجاهدین
۳۶	ماجرای سنگ جان
۳۸	نجات یک دوست
۳۹	عضله
۴۰	غریق
۴۱	گیاه میان دیوار متروک
۴۲	پیامک‌های اول هفته
۴۳	صاحب‌خانه
۴۴	مشتري پیر، مشتري کودک
۴۵	قضاوت
۴۷	شیطان مجسم
۴۸	استاد فلسفه
۴۹	سه گروه انسان
۵۰	تنهایی
۵۲	اتوبوسی به نام هدف
۵۴	راز
۵۶	مرد عنکبوتی
۵۷	اره
۵۸	ماه
۵۹	کلاس‌های معنوی
۶۱	نفرتی که بر دوش حمل می‌شود
۶۳	تظهير
۶۴	عبادت مغازه‌دارها
۶۵	پشتکار
۶۷	استمرار
۶۹	مداومت
۷۰	دزد
۷۱	کمک به معتاد

۷۳	پاستور
۷۵	موهای زیبا و درهای بسته
۷۷	ارتفاع
۷۹	تکان
۸۰	اخلاص
۸۱	قطار
۸۳	پرستاری
۸۴	محبت خدا
۸۵	آدم و آهنربا
۸۶	پیشرفت در برزخ
۸۷	خرید
۸۹	سیدرضی و کتاب
۹۰	تحصیل
۹۱	تحصیل علامه
۹۲	مقصد
۹۳	اهمیت معلم در سلوک
۹۴	شغلی که داریم
۹۶	ادب
۹۸	وقت
۹۹	ارواح همفرکانس
۱۰۰	آقای دادستان
۱۰۲	فتوی
۱۰۳	T.T.C
۱۰۴	آخوند خراسانی
۱۰۵	وفای به عهد
۱۰۷	یحیی
۱۰۹	قلوه
۱۱۰	برکت
۱۱۱	خوشه گندم
۱۱۳	غذای نذری
۱۱۵	طعام
۱۱۶	نان
۱۱۷	Regression of the mean
۱۱۸	کلب چهارشنبه

۱۱۹	دهان کبود
۱۲۰	زبان تلخ
۱۲۱	ذکر
۱۲۳	روضه
۱۲۴	رسیدن از راه بخشیدن
۱۲۵	رسیدن از راه ترحم
۱۲۶	رسیدن از راه احسان
۱۲۷	رسیدن از طریق دیگر
۱۲۹	احتکار
۱۳۰	طلب علم (بینی برزخی)
۱۳۱	چشم برزخی
۱۳۳	چشم برزخی را بدهید
۱۳۵	زبان برزخی
۱۳۷	زبان حیوانات
۱۳۸	جواب منفی
۱۴۰	مسابقه دارت
۱۴۱	لویی بریل
۱۴۳	ناقوس ها برای که به صدا درمی آیند
۱۴۵	تبریک سال نو
۱۴۶	سواد خدا
۱۴۷	دست
۱۴۸	همکار خارجی
۱۴۹	تدابیر امنیتی
۱۵۰	تخته سیاه
۱۵۱	فال عطسه
۱۵۳	ستاره
۱۵۵	امتحان
۱۵۶	حکایات سه گانه
۱۵۷	لحظه اصلی
۱۵۸	درس های پفکی
۱۶۰	حدیث پیاز
۱۶۱	پیش گوئی دُم گاو
۱۶۵	منابع

مقدمه

در زندگی این‌طور نیست که هر روز دعوت نامه‌ای از آسمان دریافت کنی. این کارت دعوت در زندگی هر شخص یک بار و اگر خیلی خوش شانس باشد دوبار (و در موارد استثنایی گاهی بیش‌تر) به دست انسان‌ها می‌رسد. همان موقع که کارت به دستت رسید باید اجابت کنی و گرنه هیچ تضمینی وجود ندارد که دوباره کارتی به دستت برسد.

تابستان سال ۱۳۸۰ به خانه یکی از دوستانمان در شمال رفتیم. افکار و خط مشی زندگی میزبان مطلقاً مورد خوشایند من نبود و آن را بسیار متحجرانه و سبک می‌دانستم. در نتیجه از سفر لذتی نبردم. این یک سوی سکه بود. نمی‌دانستم در روی دیگر سکه زندگی ام در آستانه تحولی عظیم قرار گرفته است. در پایان این سفر دو، سه روزه نگاهی به کتابخانه شخصی میزبان انداختم. او چند جلد از کتاب هایش را برای خواندن پیشنهاد کرد. کتاب‌ها را با خودم به تهران آوردم. حدود شش ماه این کتاب‌ها در گوشه‌ی اتاقم خاک می‌خوردند، تا اینکه تصمیم گرفتم یکی از آنها را بخوانم. اسم این کتاب "نشان از بی‌نشان‌ها" بود. این کتاب تأثیر عجیب و عمیقی بر من گذاشت و درهایی را به رویم گشود.



بعد وارد یک وادی شدم که به جلو رانده می شدم . از روح شیخ
نخودکی متشکرم که چنین مهربانانه چشمان مرا به روی نادانسته
هایی گشود . به پاس حقی که بر گدتم دارد اولین حکایت را به او
اختصاص می دهم .

می گویند همان طور که گمراهی رشد می کند هدایت هم رشد
می کند . وقتی وارد راهی می شوی در همان راه تغذیه می شوی . چند
سال بعد از جرقه ی اولیه ، به یکی از مهره های هدایت رسیدم .

¶ در این نوشته ها هر جا کلمه " استاد " آمده منظور آقای دکتر
محمد علی انصاری است که به او بسیار مدیونم .

